

## امامان شیعه در عصر بنی عباس (۱)

### مقدمه

در درس پیشین با مهم‌ترین تحولات دور ان خلافت عباسیان آشنا شدید. از میان امامان شیعه – به جز حضرت مهدی علیه السلام – شش تن از آنان، دوره بنی عباس را درک کردند. رفتار بنی عباس با امامان شیعه تفاوتی با رفتار امویان نداشت؛ بلکه گاه سختگیرانه‌تر بود! در دو درس پیش رو، با نقش سیاسی و فرهنگی امامان معاصر خلفای عباسی و عملکرد خلفا نسبت به ایشان آشنا خواهید شد.

### امام صادق علیه السلام و خلفای عباسی

معاصر بود. سَفّاح در دوره کوتاه حکومتش، عمدتاً به تصفیه حساب با بنی امیه و کشتار آنان مشغول بود. وی چندان متعرض شیعیان نشد و برخورد تندی با آنان نکرد. این موضوع ناشی از سیاست بی طرفی مدبرانه‌ای بود که امام صادق علیه السلام در پیش گرفت. البته بنی عباس چون در آغاز راه بودند، هنوز به علویان و شیعیان نیاز داشتند و مرکز خلافتشان (کوفه) پایگاه مهمی برای شیعیان بود. از روایات تاریخی چنین برمی آید که امام صادق علیه السلام در دوره سَفّاح، سفری به کوفه داشته است. سَفّاح در آغاز، ارتباط امام با مردم را آزاد گذاشته بود، اما پس از مدتی، امام را محدود کرد و شیعیان امکان ملاقات

خواندید که بنی عباس با تمسک به شعار فریبنده «الرضا من آل محمد» حکومت را تصاحب کردند. امام صادق علیه السلام درگیر و دار انتقال خلافت از بنی امیه به بنی عباس، بسیار زیرکانه و مدبرانه رفتار کرد و با وجود آنکه بعضی از وابستگان عباسی تلاش کردند از نام و موقعیت او سوء استفاده کنند زیر بار نرفت. درگیری‌های اموی – عباسی فرصت خوبی برای آن حضرت فراهم آورد تا اهداف دینی و فرهنگی خود را دنبال کند. امام صادق علیه السلام در دوره بنی عباس، با دو خلیفه اول عباسی، یعنی ابوالعباس سَفّاح<sup>۱</sup> و ابو جعفر منصور<sup>۲</sup>

۱- ۱۳۶-۱۳۲ق.

۲- ۱۵۸-۱۳۶ق.

در روایت دیگری آمده که امام در روزی که سفاح آن را عید فطر اعلام کرده بود، ناچار شد از روی تقیه روزه اش را افطار کند.

آزادانه با آن حضرت را نداشتند. در روایتی می‌خوانیم که یکی از شیعیان برای پرسیدن سؤال، ناچار شد خود را در شکل فردی خیار فروش به اقامتگاه امام برساند و به صورت مخفی، سؤال خود را مطرح کرده و پاسخ بگیرد!

## فکر کنید و پاسخ دهید

به نظر شما، چرا خلافت عباسی از ارتباط علمی مردم با امام صادق علیه السلام وحشت داشت؟

صورت لزوم، برخوردهای مناسب با منصور نداشته باشد. به عنوان مثال، روزی منصور از اینکه امام -مانند دیگران- به دیدارش نمی‌رود شکوه کرد؛ و امام پاسخی جالب داد و فرمود: «ما کاری نکرده‌ایم که به جهت آن از تو بترسیم؛ و از امر آخرت نیز پیش تو چیزی نیست که به آن امیدوار باشیم؛ و این مقام تو در واقع نعمتی نیست که آن را به تو تبریک گوئیم؛ و تو آن را برای خودت مصیبتی نمی‌دانی که تو را دلداری دهیم. پس پیش توجه کار داریم؟»

۳- منع شیعیان از همکاری با دستگاه حکومت، و منع عالمان از رفت و آمد به دربار حکومتی؛ امام علیه السلام به پیروانش می‌فرمود: «از همنشینی با پادشاهان پرهیزید.» اما در صورت همکاری، کفارة آن را نیکی به برادران ایمانی می‌دانست. و درباره عالمان درباری می‌فرمود: «فقیهان اُمّنا یامبران‌اند. پس اگر فقیهی را دیدید که نزد سلطان آمد و شد دارد، او را متهم کنید.»

با روی کار آمدن منصور، شرایط تغییر کرد و علویان و شیعیان، دشمنان و رقیبان اصلی دستگاه خلافت عباسی به شمار آمدند. منصور سیاستی سخت و خشن نسبت به علویان و شیعیان اعمال کرد. بسیاری از علویان در زندان‌های منصور شکنجه شدند و جان دادند. وی از طریق جاسوسانش به طور مدام امام را تحت مراقبت داشت و گاه آن حضرت را به مرکز حکومتش احضار می‌کرد. سیاست امام صادق علیه السلام در برابر رفتار منصور بدین قرار بود:

۱- در پیش گرفتن مشی «تقیه» برای حفظ شیعیان و تأمین مصالح اسلام؛ آن حضرت ضمن اینکه خودش براساس تقیه عمل می‌کرد، شیعیان را نیز به آن توصیه می‌کرد و می‌فرمود: «تقیه مرام من و پدرانم است.» در همین راستا، آن حضرت از شرکت مستقیم در قیام‌های علویان پرهیز می‌کرد.

۲- برخوردهای صریح و شجاعانه در برابر منصور؛ سیاست تقیه مانع از آن نبود که حضرت، در

## شهادت امام صادق علیه السلام و انشعاب شیعه

امام صادق علیه السلام در ماه شوال سال ۱۴۸ق با توطئه منصور عباسی به شهادت رسید. از آنجا که منصور به شدت در صدد شناختن جانشین آن حضرت بود تا او را نیز به قتل رساند؛ لذا امام علیه السلام ناچار شد در یک وصیتِ صوری، پنج نفر را به عنوان وصی خود معرفی کند که یکی از آنها، فرزندش - امام کاظم علیه السلام - بود.<sup>۱</sup> البته امام علیه السلام به شیعیانی که قابل اعتماد بودند، جانشینی امام کاظم علیه السلام را اعلام کرده بود. به هر حال، این وصیت و بعضی عوامل دیگر، سبب شد شیعیان پس از آن حضرت دچار انشعاباتی شوند. آنان چند گروه شدند که عبارت‌اند از:

۱- معتقدان به امامت امام موسی کاظم علیه السلام که اغلب شیعیان را تشکیل می‌دادند.

۲- معتقدان به امامت عبدالله افطح که نامش در

وصیتِ صوری امام علیه السلام بود.

۳- معتقدان به امامت اسماعیل، فرزندِ دیگر امام صادق علیه السلام؛ وی که به لحاظ سنّی از امام کاظم علیه السلام بزرگتر بود و دارای کمالات اخلاقی و معنوی نیز بود، به اعتقاد برخی از شیعیان، شایستگی جانشینی پدر را داشت. او در دورهٔ حیاتِ امام صادق علیه السلام بدرودِ حیات گفت، اما بعضی از شیعیان، مرگ او را منکر شده و اظهار داشتند او زنده است و پس از مدتی ظاهر خواهد شد. این اعتقاد منشأ پیدایش فرقهٔ «اسماعیلیه» شد. گروهی از اینان به مرگ اسماعیل معتقد شدند و امامت را پس از او، از آن فرزند و سپس نوادگانش دانستند.<sup>۲</sup>

۴- معتقدان به امامتِ فرزندِ دیگرِ امام، موسوم به «محمد دیباج».

۵- معتقدان به زنده بودن و مهدودیتِ خودِ امام

صادق علیه السلام.

## فکر کنید و پاسخ دهید

تحلیل شما از علل بروز انشعابات در میان شیعیان چیست؟

امام کاظم علیه السلام؛ اسطورهٔ پایداری  
با شهادت امام صادق علیه السلام، امامت به فرزندش  
- امام موسی کاظم علیه السلام - انتقال یافت. دورهٔ امامتِ آن حضرت با چهار تن از خلفای عباسی یعنی منصور دوانیقی،<sup>۳</sup>

۱- چهار نفر دیگر عبارت بودند از: منصور عباسی، والی مدینه (جعفر بن سلیمان)، فرزندِ امام صادق علیه السلام (عبدالله افطح) و مادر امام کاظم علیه السلام (حُمَیْدَه)؛ بنگرید به: کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۳۱، ح ۱۳.

۲- معتقدان به عدم مرگ اسماعیل را اسماعیلیهٔ خالصه و معتقدان به مرگش و استمرار امامت در اولاد او را اسماعیلیه غیر خالصه نامیده‌اند؛ گفتنی است حکومت فاطمیان در مصر پیرو این فرقه بودند. هم‌اکنون نیز پیروانی از این فرقه در بعضی از کشورها زندگی می‌کنند.

۳- ۱۵۸-۱۳۶ق.

مهدی،<sup>۱</sup> هادی،<sup>۲</sup> و هارون<sup>۳</sup> همراه بود. دوران زندگی آن حضرت با نخستین مرحله استبداد بنی عباس مصادف بود. آنان تا چندی پس از آنکه زمام حکومت را در دست گرفتند با مردم – و به خصوص علویان – رفتار نسبتاً ملایمی داشتند. اما به محض استقرار بر اریکه قدرت، و از سوی دیگر، با بروز قیام‌های ضد عباسی، بنا را بر ستمگری نهادند و مخالفان خود را زیر شدیدترین فشارها قرار دادند. آنان حتی به یاران وفادار خود – همچون ابومسلم و ابوسلمه – نیز رحم نکردند. شمار زیادی از علویان در زندان‌های منصور عباسی به شهادت رسیدند و بعضی از آن‌ها زنده زنده درون دیوار نهاده شدند یا سقف زندان را بر سرشان خراب کردند!

امام کاظم علیه السلام در چنین اوضاع و احوالی به امامت رسید. اما او می‌بایست رسالتی را که دو امام پیشین، در ایجاد نهضتی علمی و تقویت کمی و کیفی تشیع آغاز کرده بودند، استمرار می‌بخشید. اصول رفتارهای سیاسی آن حضرت همچون امام صادق علیه السلام در سه محور قابل ترسیم است:

- ۱- پرهیز از شرکت مستقیم در قیام‌های علویان،
- ۲- برخورد‌های صریح و شجاعانه در برابر حکام عباسی،
- ۳- منع شیعیان از همکاری با دستگاه حکومت عباسی.

امام علیه السلام در موقعیت‌های مناسب، با سخنان صریحی، شجاعانه به نفی حاکمیت عباسی پرداخت. به

یک نمونه توجه کنید:

روزی امام کاظم علیه السلام وارد یکی از کاخ‌های بسیار باشکوه هارون در بغداد شد. هارون که مست قدرت و حکومت بود به قصرش اشاره کرد و با غرور و تکبر پرسید: این قصر از آن کیست؟ و نظر وی آن بود که شکوه و قدرتش را به رخ امام بکشد. امام کاظم علیه السلام نیز بدون کوچکترین اهمیتی به آن کاخ، با صراحت فرمود: این، خانه فاسقان است؛ همان کسانی که خداوند درباره آن‌ها می‌فرماید: «به زودی، کسانی را که در زمین به ناحق تکبر می‌ورزند و هرگاه آیات الهی را ببینند ایمان نمی‌آورند و اگر راه رشد و کمال را ببینند آن را در پیش نمی‌گیرند، ولی هرگاه راه گمراهی را ببینند آن را طی می‌کنند، از [مطالعه و درک] آیات خود منصرف خواهیم کرد؛ زیرا آنان آیات ما را تکذیب کرده، از آن غفلت ورزیده‌اند.»<sup>۴</sup>

هارون در حالی که خشم خود را فرو می‌خورد پرسید: پس این خانه از آن کیست؟ امام علیه السلام فرمود: این خانه، از آن شیعیان و پیروان ماست، ولی دیگران با زور و قدرت، آن را تصاحب کرده‌اند. هارون گفت: اگر چنین است، چرا صاحب خانه آن را باز نمی‌ستاند؟! امام علیه السلام فرمود: این خانه در حال عمران و آبادی از صاحب اصلی‌اش گرفته شده است و هر وقت بتواند آن را آباد سازد، پس خواهد گرفت.<sup>۵</sup>

امام علیه السلام پیروان خود را از هرگونه همکاری با دستگاه ظلم عباسی به شدت منع می‌کرد، مگر آنکه بتوانند خطری را از مظلومی دفع کنند. «علی بن یقطین» یکی از

۱- ۱۶۹-۱۵۸ق.

۲- ۱۷۰-۱۶۹ق.

۳- ۱۹۳-۱۷۰ق.

۴- اعراف، ۱۴۶.

۵- مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۸، ص ۱۳۸.

یاران، آن حضرت بود که در دستگاه خلافت عباسی در زمان هارون تا مقام وزارت بالا رفت؛ اما هارون نسبت به تشیع او آگاهی نداشت. وی بارها تصمیم گرفت استعفا کند؛ اما امام علیه السلام او را به حفظ این موقعیت تشویق کرد. در نقطه مقابل، امام علیه السلام شیعیانی را که در خدمت دستگاه ظلم بودند و امکان دفع ظلم از کسی، برای آنان فراهم نبود به قطع همکاری با ظالمان تشویق می کرد. به عنوان مثال، آن حضرت، «صفوان جمّال» را که شترانش را به هارون عباسی کرایه می داد از انجام این کار منع فرمود.

### مجاهدت و حبس

خلافت عباسی از عالمان و دانشمندان متعددی که در عصر امام کاظم علیه السلام می زیستند، احساس خطر نمی کرد؛ اما نسبت به امام کاظم علیه السلام و شیعیان او و علویان به عنوان رقبایی جدی برای عباسیان می نگریست؛ و این، در حالی بود که امام علیه السلام قیام مسلحانه‌ای را صورت نداده بود، اما جایگاه او به عنوان امام شیعیان، برای عباسیان نگران کننده بود. از سوی دیگر، برخی مواضع

صریح امام علیه السلام در برابر خلفای عباسی، و نیز نهی پیروان از همکاری با حکومت، رفته رفته زمینه دستگیری و حبس آن حضرت را فراهم کرد.

امام علیه السلام در دوره حاکمیت منصور و مهدی عباسی، یعنی تا سال ۱۶۹ق، در مدینه به تدریس، نقل حدیث و تربیت شاگردان مشغول بود و از طریق نمایندگان با شیعیان در مناطق مختلف ارتباط داشت. در همین دوره، مهدی عباسی که احتمالاً اتفاق‌های فراوان امام به تهیدستان، وی را به وحشت انداخته و تصور می کرد امام قیامی را برضد او ترتیب خواهد داد، اقدام به حبس آن حضرت کرد، اما پس از یک رؤیا، اقدام به آزاد کردن امام کرد. در دوره هادی عباسی، وی امام را به تحریک شهید فخر متهم کرد و تصمیم به قتل امام گرفت، اما بر اثر نفرین حضرت، به هلاکت رسید! سخت ترین دوره حیات آن حضرت، مربوط به عصر هارون است. او در دو مرحله، امام را زندانی کرد که بار دوم، حدود چهار سال پیوسته و در زندانی تاریک و وحشتناک بود و سرانجام به شهادت آن حضرت در سال ۱۸۳ق منجر شد.



بارگاه امام کاظم و امام جواد علیهما السلام

هارون عباسی در پاسخ به پرسش فرزندش - مأمون - درباره علت زندانی کردن امام کاظم علیه السلام گفت: «المَلِكُ عَقِيمٌ». یعنی: «حکومت عقیم و ناز است» شما فکر می کنید منظور او چه بود؟

### امام رضا علیه السلام؛ از مدینه تا مرو

با شهادت امام کاظم علیه السلام براساس نصب الهی - که پیشتر توسط رسول خدا صلی الله علیه و آله و دیگر معصومان از جمله امام کاظم علیه السلام اعلام شده بود - امام رضا علیه السلام به امامت رسید. اغلب شیعیان امام کاظم علیه السلام، امامت فرزندش را پذیرفتند، اما تعداد معدودی نیز فرقه ای را به نام «واقفه» تشکیل دادند و معتقد بودند امام کاظم علیه السلام هنوز زنده است و مهدی موعود هموست و پس از مدتی ظهور خواهد کرد. برخی از سران این فرقه به طمع تصرف اموالی که شیعیان به امام کاظم علیه السلام تقدیم کرده بودند و در دست آنان بود،<sup>۱</sup> شهادت آن حضرت را انکار کردند؛ زیرا در صورت پذیرش امامت امام رضا علیه السلام باید این اموال را به آن حضرت تحویل می دادند. به تدریج، با روشنگری های امام رضا علیه السلام، تعداد زیادی از پیروان این فرقه، به خطای خود پی بردند و از مسیر انحراف بازگشتند.

دوره زندگانی امام رضا علیه السلام از سال ۱۴۸ق تا سال ۲۰۳ق است و آغاز امامتش از ماه رجب سال ۱۸۳ق

است که امام کاظم علیه السلام به شهادت رسید. آن حضرت در طول دوره بیست ساله امامتش با سه خلیفه عباسی یعنی هارون<sup>۲</sup>، امین<sup>۳</sup> و مأمون<sup>۴</sup> معاصر بود.

امام رضا علیه السلام در دوره خلافت هارون، از آزادی نسبی برخوردار بود. دلیل عدم تعرض جدی هارون به آن حضرت این بود که وی پس از زندانی و مسموم کردن امام کاظم علیه السلام در زندان بغداد، تمایل نداشت با تعرض به ساحت امام رضا علیه السلام، خود را بیش از پیش نزد مردم - به خصوص شیعیان - بدنام کند؛ از این رو، در پاسخ یحیی بن خالد برمکی - که قصد داشت هارون را بر علیه امام رضا علیه السلام تحریک کند - گفت: «آنچه با پدرش کردیم کافی نیست؟ می خواهی یکباره شمشیر بردارم و همه علویان را بکشم؟!»

دوره خلافت امین نیز عمدتاً به رقابت و تنازع او با برادرش مأمون گذشت و امام علیه السلام مجال خوبی برای تدریس و ارتباط با شیعیان را داشت.

در سال ۱۹۸ق، مأمون پس از یک دوره جنگ و نزاع، موفق به کشتن امین شد و خلافت را رسماً به دست

۱- گفتنی است بعضی از سران واقفه مانند علی بن ابی حمزه بطنانی و چند تن دیگر سابقه کالت و نمایندگی امام کاظم علیه السلام در میان شیعیان را داشتند و بدین لحاظ، شیعیان بسته های حاوی نامه ها و وجوه شرعی همچون خمس، زکات، هدایا و نذورات را به ایشان تحویل می دادند تا به امام برسانند.

۲- ۱۹۳-۱۷۰ق.

۳- ۱۹۸-۱۹۳ق.

۴- ۲۱۸-۱۹۸ق.

گرفت. سال‌های آغازینِ خلافتِ مأمون، با قیام‌های بعضی از علویان، همچون قیام ابن طباطبا (با قیام ابوالسرایا) و قیام محمد دیباج (فرزند امام صادق علیه السلام) همراه بود. وقوع این حوادث به همراه عواملی دیگر سبب شد مأمون تصمیم تاریخی خود را مبنی بر پیشنهاد ولایتعهدی به امام رضا علیه السلام مطرح و عملی سازد. وی، کارگزار خود - رجاء بن ابی ضحاک - را به مدینه فرستاد تا امام را به مرو - پایتخت مأمون - دعوت کند. مأمون به رجاء دستور داد که امام را از شهرهایی حرکت دهد که شیعیان حضور ندارند. امام علیه السلام در واکنش به دعوت مأمون، در حالی که نارضایتی خود از این سفر را به دیگران اظهار کرد، مدینه را به قصد مرو ترک گفت. در مرو، مأمون، ابتدا به امام، خلافت را پیشنهاد کرد. امام علیه السلام در پاسخ فرمود:

«اگر خلافت را خداوند برای تو قرار داده است جایز نیست به دیگری ببخشی و خود را از آن معزول نمایی و اگر خلافت از آن تو نیست حق نداری آن را به دیگری بدهی!»

اما مأمون همچنان اصرار می‌ورزید و تا دو ماه این وضع ادامه داشت. سرانجام قبول ولایتعهدی را به حضرت پیشنهاد و تهدید به قتل کرد؛ و امام علیه السلام نیز به ناچار به شرط عدم دخالت در امور، ولایتعهدی را

پذیرفت. مأمون پس از سه سال، تصمیم گرفت پایتخت خود را به بغداد منتقل کند. او در مسیر بغداد، ابتدا در حمام سرخس، وزیرش - فضل بن سهل - را به قتل رساند و در روستای سناباد (نزدیک طوس) امام رضا علیه السلام را مسموم و شهید کرد.

اما چرا مأمون با وجود حرص و رغبتی که به خلافت داشت با اصرار آن را به امام رضا علیه السلام پیشنهاد کرد و نهایتاً ولایتعهدی را واگذار کرد؟ در پاسخ می‌توان چند عامل را در این تصمیم مؤثر دانست:

۱- از بین بردن میزان محبوبیت امام علیه السلام با درگیر کردن آن حضرت به مناصب حکومتی؛ بدین جهت امام علیه السلام به این شرط ولایتعهدی را پذیرفت که در هیچ کاری دخالت نکند.

۲- مراقبت بیشتر از امام علیه السلام که خطری بالقوه محسوب می‌شد.

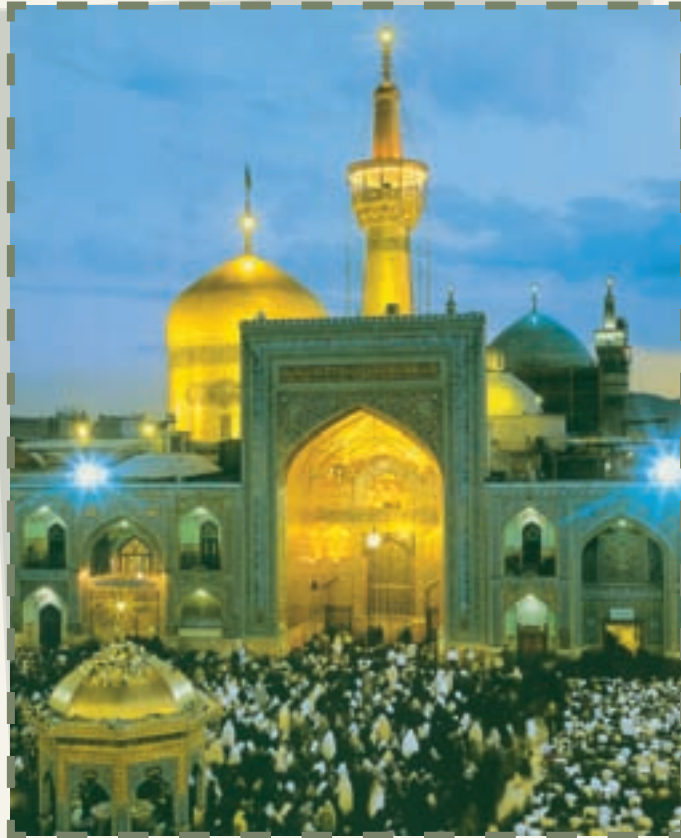
۳- مهار قیام‌های علویان، به وسیله تأمین ظاهری خواسته آنان در اعطای حکومت به یک علوی.

۴- کسب مشروعیت برای خلافت عباسی؛ زیرا با ولایتعهدی امام علیه السلام خلیفه نیز مشروعیت حکومت می‌یافت.

۵- کسب اعتماد مردم - به ویژه خراسانیان - که پس از فریب بنی عباس، به آنان بدبین بودند.





حرم امام رضا علیه السلام

## دَعْبِل بن علی خُزاعی

وی از شعرای زبردست شیعی بود. در سال ۱۴۸ق زاده شد و در ۲۴۶ق در شهر شوش از دنیا رفت. او از ابزار شعر و هنر، برای بیانِ مظلومیت اهل بیت علیهم السلام بهره می جست. یکی از بهترین قصیده‌های او که موجب شهرتش شده، قصیده (مدارِسُ آیات) است. این قصیده که مضامین بسیار بلندی دارد سیرِ مصائب و ستم‌هایی را که بر اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله رفته، بیان کرده است. دعبل، پس از سرودن این قصیده، عازم خراسان شد تا ضمن ملاقات با امام رضا علیه السلام، قصیده را برای حضرت قرائت کند. هنگامی که نزد امام علیه السلام رسید عرض کرد: ای فرزند رسول خدا، من قصیده‌ای برای شما گفته و سوگند یاد کرده‌ام که قبل از شما برای کسی نخوانم. امام فرمود: بخوان. دعبل نیز قصیده را قرائت کرد و امام علیه السلام با شنیدن آن گریست و خود حضرت دو بیت به آن افزود که حکایت از شهادت و دفنش در سرزمین طوس داشت. سپس امام علیه السلام صد دینار به دعبل عطا فرمود. دعبل از حضرت خواست که یکی از لباس‌هایش را به او بدهد تا به آن تبرک جوید. امام نیز چنین کرد. دعبل از امام خداحافظی کرد و به سوی دیارِ خود بازگشت. در مسیر بازگشت به قم رسید. شیعیان قم هنگامی که با خبر شدند لباس امام همراه دعبل است برای تبرک‌جویی آن را از دعبل گرفته و در عوض هزار دینار به همراه تکه‌ای از لباس را به او دادند!

- ۱- رفتار سفاح با امام صادق علیه السلام چگونه بود؟
- ۲- امام صادق علیه السلام در برابر منصور عباسی چگونه سیاستی در پیش گرفت؟ به طور کوتاه توضیح دهید.
- ۳- شیعیان پس از شهادت امام صادق علیه السلام به چند گروه تقسیم شدند؟ نام ببرید.
- ۴- اصول رفتارهای سیاسی امام کاظم علیه السلام را بیان کنید.
- ۵- یکی از موضعگیری‌های صریح و شجاعانه امام کاظم علیه السلام را در برابر هارون به طور کوتاه بیان کنید.
- ۶- امام کاظم علیه السلام در زمان کدام یک از خلفای عباسی زندانی شد و آخرین زندان او چند سال طول کشید؟
- ۷- فرقه واقفه را معرفی کنید.
- ۸- چرا مأمون به امام رضا علیه السلام پیشنهاد ولایتعهدی داد؟

## اندیشه و جست و جو

- ۱- مأمون یکی از خلفای مرموز عباسی است، درباره شخصیت و عملکرد او تحقیقی انجام دهید.
- ۲- یکی از فعالیت‌های مهم امام رضا علیه السلام در مرو، مناظره با رهبران ادیان دیگر بود. در این باره گزارشی برای دوستان خودتان تهیه نمایید.

## امامان شیعه در عصر بنی عباس (۲)

### مقدمه

در دروس پیش اوضاع و دوران زندگانی امام صادق، امام کاظم و امام رضا علیهم‌السلام بررسی شد. در درس حاضر، زمانه و زندگانی امامان شیعه، پس از شهادت امام رضا علیه‌السلام و نیز دوره غیبت صغری بررسی و تحلیل خواهد شد.

### امام جواد علیه‌السلام، امامت در طفولیت

امام رضا علیه‌السلام در آخر ماه صفر سال ۲۰۳ ق به شهادت رسید. در این هنگام، فرزند آن حضرت - امام جواد علیه‌السلام - کودکی هشت ساله بود؛ به طور طبیعی پذیرش امامت طفلی هشت ساله، برای شیعیان آسان نبود؛ از این رو، در آغازین روزهای امامت امام جواد علیه‌السلام، این بحث در محافل شیعی داغ بود که چگونه می‌توان امامت کودکی نابالغ را پذیرفت؛ همین مسئله سبب شد عده‌ای از شیعیان به سراغ «عبدالله بن موسی بن جعفر علیه‌السلام» رفته و امامت او را بپذیرند؛ اما هنگامی که او را از پاسخ به سؤالات شرعی‌شان عاجز یافتند وی را رها کردند. آنچه موجب شد رفته رفته، امامت امام جواد علیه‌السلام مورد پذیرش جامعه شیعه قرار گیرد، سه نکته اساسی بود:

۱- استدلال امام جواد علیه‌السلام و برخی از دانشمندان

شیعه به نبوت بعضی از پیامبران در کودکی؛ همچون حضرت سلیمان، حضرت یحیی و حضرت عیسی علیهم‌السلام.  
 ۲- توان پاسخگویی امام جواد علیه‌السلام به پرسش‌های متعدد و متنوع شیعیان و غیر شیعیان؛  
 ۳- انجام معجزات و امور خارق عادت.

### امام جواد علیه‌السلام در بغداد

خواندید که مأمون تصمیم گرفت برای کنترل بیشتر اوضاع، پایتخت خود را از مرو به بغداد انتقال دهد. او در مسیر بغداد، امام رضا علیه‌السلام را در طوس به شهادت رساند. پس از رسیدن به بغداد، چون متوجه شد شیعیان رو به امام جواد علیه‌السلام آورده‌اند و امامتش را پذیرفته‌اند، آن حضرت را از مدینه به بغداد فراخواند. مأمون از آنجا که شنیده بود شیعیان معتقدند امام جواد علیه‌السلام حتی در این

– امّ الفضل – با امام ازدواج کند! از این رو، مجلس جشنی ترتیب داد و دخترش را به عقد امام درآورد. اهداف او از این کار عبارت بود از:

- ۱- تظاهر به دوستی خاندان رسول خدا ﷺ،
- ۲- مهار کردن قیام علویان،
- ۳- بدنام کردن امام، از طریق آلوده کردنش به زندگی درباری،
- ۴- تولد کودکی از نسل پیامبر ﷺ برای خاندان عباسی. می توان حدس زد در صورت ولادت چنین کودکی، خاندان عباسی تا چه میزان از او، برای مشروعیت بخشی به خلافتشان سود می جستند! و البته خداوند هیچ گاه امّ الفضل را دارای فرزند نکرد.

سنّ کم، توان پاسخگویی به هر پرسشی را دارد تلاش کرد با ترتیب دادن مجلس مناظره میان امام و دانشمندان مطرح آن عصر، امام را رسوا و شیعیان را پراکنده سازد! بدین لحاظ، مجلس مناظره‌ای پس از ورود امام به بغداد، با حضور امام علیه السلام و قاضی القضاة بغداد – یحیی بن اکثم – ترتیب داد. در این مناظره، یحیی بن اکثم پرسشی مطرح کرد و امام علیه السلام در پاسخ، ابعاد مختلف آن پرسش را برای او تشریح کرد. سپس خود امام، از یحیی مسئله‌ای پرسید و او از پاسخ عاجز ماند و امام – به درخواست یحیی – خودش پاسخ را ارائه کرد. پیروزی شکوهمند امام در این مناظره سبب شگفتی همه حاضران شد و مأمون به فکر توطئه‌ای دیگر افتاد. وی در پوشش تجلیل و اکرام امام، پیشنهاد کرد دخترش

## فکر کنید و پاسخ دهید

آیا می‌توانید میان دو اقدام مأمون در پیشنهاد ولایتعهدی به امام رضا علیه السلام و پیشنهاد ازدواج با امّ الفضل به امام جواد علیه السلام، تشابهی بیابید؟

## نقش فرهنگی امام جواد علیه السلام

سال ۲۱۸ ق از دنیا رفت و خلافت به برادرش – معتصم – انتقال یافت. معتصم در سال ۲۲۰ ق امام را به بغداد احضار کرد و طی توطئه‌ای، ایشان را با مسمومیت به شهادت رساند.<sup>۱</sup> از آنچه گذشت روشن شد که غالب دوره حیات

امام جواد علیه السلام پس از ازدواج تحمیلی با دختر مأمون، از بغداد به مدینه بازگشت. سفر اول امام به بغداد در سال ۲۰۴ ق بود. پس از آن، یک بار دیگر در عصر مأمون (سال ۲۱۵ ق) به بغداد سفر کرد. مأمون در

۱- هم اکنون مرقد مطهر آن حضرت، در شهر کاظمین (کنار بغداد) محل زیارت مشتاقان است.



ضریح مطهر امام موسی کاظم و امام جواد علیهما السلام

طفولیت به امامت رسید. ولادتش در سال ۲۱۲ق و آغاز امامتش در سال ۲۲۰ق و در هشت سالگی بود. از آنجا که شیعیان، پیش از این، امامت در سنین کودکی را تجربه کرده بودند، مشکل چندانی در پذیرش امامت امام دهم پیدا نکردند. به هنگام شهادت نهمین پیشوا، امام هادی علیه السلام در مدینه اقامت داشت. پس از آن نیز تا سیزده سال در مدینه به انجام امور امامت و رهبری شیعه اشتغال داشت.

در سال ۲۳۳ق، متوکل - خلیفه ستمگر و سفاک عباسی - به سبب تحریک کارگزارش در مدینه، طی نامه‌ای از او خواست که به سامرا سفر کند. امام علیه السلام به نیت متوکل واقف بود، اما بدون میل و رضایت، ناچار از انجام این سفر شد و مردم مدینه نیز که تجربه خوبی از این گونه فراخوانی‌ها نسبت به ائمه علیهم السلام نداشتند صدا به گریه و شیون بلند کردند.

امام جواد علیه السلام، در مدینه سپری شد. در طی این مدت آن حضرت اقدامات زیر را انجام داد:

- ۱- تشکیل مجالس و محافل علمی و بیان احادیث اهل بیت علیهم السلام و انجام مناظرات علمی،
- ۲- مبارزه با تحریفاتی که نسبت به مبانی دینی و سنت نبوی صلی الله علیه و آله انجام گرفته بود،
- ۳- مبارزه با فرقه‌های منحرف، به ویژه گروه‌هایی همچون زیدیه، غالیان و واقفه که از شیعه منشعب شده بودند،

- ۴- تربیت شاگردان،
- ۵- گسترش ارتباط با شیعیان مناطق مختلف از طریق وکلا و نمایندگان،
- ۶- تثبیت امامت خود و فرزندش، امام هادی علیه السلام.

### امام هادی علیه السلام در سامرا

امام هادی علیه السلام نیز - همچون پدرش - در سنین



برج مَلویه در سامرا

## یک توضیح

### بنای سامرا

در سال ۲۲۰ ق، معتصم عباسی، طی سفری که به نواحی شمالی بغداد داشت، ناحیه سامرا را پسندید و تصمیم گرفت در آنجا شهری بنا کند و مرکز حکومت را از بغداد به آنجا انتقال دهد و بنای این شهر در کنار رود دجله در سال ۲۲۱ ق انجام گرفت. و از آن پس تا سال ۲۷۹ ق، به عنوان مرکز حکومت عباسیان مطرح بود. سبب اقدام معتصم به این کار آن بود که وی به سپاهیان ترک که از ماوراءالنهر آورده شده بودند، علاقه زیادی داشت و می‌خواست مکان مستقلی از بغداد برای استقرار آنان ترتیب دهد؛ زیرا دیگر سپاهیان و نیز مردم بغداد از حضور آنان ناخشنود بودند. پس از بنای سامرا، زیبایی شهر و خوش آب‌وهوا بودنش موجب سرور کسانی می‌شد که آن را می‌دیدند. از این رو، به «سُرْمَنْ رَأَى» نیز مشهور شد. امام دهم و یازدهم ما شیعیان به این شهر فراخوانده شدند. و پس از مدتی حضور در آن، به شهادت رسیدند و در آن، مدفون شدند و امام دوازدهم نیز از همین شهر غائب شد. در سال ۲۷۹ ق پس از یک جنگ داخلی میان عباسیان، مجدداً بغداد مرکزیت یافت.

مأموران به طور غافلگیرانه به خانه حضرت هجوم برند، ولی مأموران پس از ورود به خانه، چیزی نیافتند و امام علیه السلام را در حالی دیدند که در یک اتاق خالی از فرش، مشغول تلاوت آیات قرآن بود. آنان، امام هادی علیه السلام را به مجلس عیش و نوش متوکل بردند و او در حالی که کاسه شرابی در دست داشت، آن را به امام تعارف کرد. امام امتناع کرده و فرمود: «گوشت و خون من تا به حال با شراب آلوده نشده است.» متوکل از امام خواست شعری بخواند تا او به وجد و نشاط آید. پس از اصرار متوکل، امام علیه السلام اشعاری خواند که یادآور مرگ و قبر و ناپایداری دنیا بود و به گونه‌ای در حاضران آن مجلس اثر گذاشت که حتی متوکل گریست! و دستور داد بساط شراب را برچینند و امام را با احترام به خانه‌اش بازگردانند.

با ورود امام هادی علیه السلام به سامرا، متوکل در آغاز آن حضرت را در کاروانسرای محقر جای داد، سپس به خانه‌ای در یک پادگان نظامی (عسکر) منتقل کرد، بدین جهت امام دهم و نیز امام یازدهم به «عسکری» معروف شده‌اند.

امام هادی علیه السلام بیش از بیست سال و تا پایان عمر، در سامرا اقامت داشت و چهارده سال از این مدت را متوکل عباسی حاکمیت داشت. این دوره، سخت‌ترین دوران زندگی آن حضرت بود. متوکل به علت عناد و دشمنی عجیبی که با خاندان رسول خدا صلی الله علیه و آله داشت برخوردهای بی‌ادبانه‌ای با امام هادی علیه السلام کرد. به عنوان مثال، هنگامی که به او گزارش دادند در منزل امام هادی علیه السلام ادوات جنگی و نامه‌هایی از شیعیان وجود دارد، دستور داد عده‌ای از



سامرا، ضریح مبارک امام هادی و امام حسن عسکری علیهما السلام

کنند، زمین آن را شخم زدند و بر آن آب بیندند. مجموع این اقدامات، متوکل را مشمول نفرین امام هادی علیه السلام قرار داد و سرانجام در سال ۲۴۷ق، به وسیله پسرش - منتصر - و عده‌ای از سربازان ترک در قصرش کشته شد.

متوکل حتی پا را از این فراتر نهاده در یک نوبت امام را واداشت که همچون درباریان به صورت پیاده، در رکاب متوکل - که سواره بود - حرکت کند. وی در یک مجلس، به تمسخر امام علی علیه السلام پرداخت و نیز دستور داد قبر امام حسین علیه السلام در کربلا را ویران



گنبد حرم امام هادی و امام حسن عسکری علیهما السلام

از نمایندگان و وکلای او در مناطق شیعه‌نشین بود - برای ایجاد ارتباط با شیعیان بهره می‌برد، بدون اینکه آنان مجبور باشند خطرات را بر جان خریده و شخصاً عازم سامرا شوند.

از بررسی روایات مختلف می‌توان محورهای اصلی تلاش فرهنگی و علمی امام دهم را در امور

### تلاش‌های فرهنگی امام هادی علیه السلام

مدت امامت امام دهم، حدود ۳۴ سال بود که بیش از بیست سال از آن، در سامرا سپری شد. با اینکه آن حضرت در سامرا تحت مراقبت شدید قرار داشت، میراث علمی و فرهنگی ماندگاری از خود بر جای نهاد. امام هادی علیه السلام از «شبهه وکالت» - که متشکل



زیر خلاصه کرد :

علیه السلام - دارد. از آنجا که امام هادی علیه السلام از بین فرزندان، امامت امام حسن عسکری علیه السلام را به سران شیعه اعلام کرده بود اغلب شیعیان، امامت او را پذیرفتند. البته اندکی نیز به امامت برادرش - جعفر - و نیز برادر دیگرش - محمد - باور پیدا کردند. و این در حالی بود که محمد در زمان حیات امام هادی علیه السلام از دنیا رفته بود؛ ولی گروهی اندک او را زنده می پنداشتند.

امام عسکری علیه السلام در طول سالیان اقامتش در سامرا، طی چند نوبت به زندان افتاد. ضمن اینکه در ایام آزادی از زندان نیز می بایست روزهای دوشنبه و پنجشنبه در دارالخلافه حضور یابد! این حضور در ظاهر، نوعی احترام، و در واقع، وسیله کنترل او بود. گفتنی است از آنجا که شیعیان به سختی می توانستند در محل سکونت حضرت، با او دیدار کنند، مسیر حرکت امام به دارالخلافه را فرصت خوبی برای دیدار می دیدند، هر چند، گاه در همین فرصت نیز امام و شیعیانش، از دید جاسوسان حکومت مخفی نبودند. به این روایت توجه کنید :

یکی از شیعیان به نام حلبی چنین نقل می کند : «در یکی از روزها که قرار بود امام عسکری علیه السلام به دارالخلافه رود، ما در عسکر (محل سکونت امام) به انتظار دیدارش جمع شدیم؛ در این حال، از سوی آن حضرت نامه ای به این مضمون رسید که : کسی بر من سلام و به سویم اشاره نیز نکند؛ زیرا که در امان نیستید!»

این روایت، به خوبی گویای آن است که امام و شیعیانش، تا چه حد از سوی دستگاه خلافت، تحت نظر بودند، یادآور می شویم که «مکاتبه» یکی از راه هایی بوده که امام را با شیعیان مرتبط می ساخت. همچنین، وجود وکلا و نمایندگان امام در میان شیعیان، راه ارتباطی خوبی بود.

۱- تربیت یاران و شاگردانی برجسته و مهذب، برای به دست گیری جریان هدایت شیعه در عصر غیبت؛ به عنوان مثال، عثمان بن سعید عمری - اولین نایب امام عصر علیه السلام در عصر غیبت صغری - از تربیت شدگان امام هادی علیه السلام بود.

۲- مبارزه با جریان های انحرافی در شیعه، به ویژه غالیان؛ اینان کسانی بودند که برای ائمه علیهم السلام جنبه خدایی قائل بودند و امام با آنان به سختی برخورد می کرد.

۳- تبیین جایگاه و منزلت اهل بیت علیهم السلام به عنوان نمونه، زیارت جامعه کبیره از آن حضرت به ما رسیده، و این زیارت یک دوره امام شناسی است.

۴- تأکید بر فرهنگ دعا و زیارت؛ فرازهای بلندی از آن حضرت در این زمینه نقل شده که از برترینشان، همان زیارت جامعه کبیره است.

۵- تأکید بر اصالت قرآن؛ شایان ذکر است که در دوره امامت آن حضرت، اختلافاتی در میان مسلمانان نسبت به ماهیت قرآن پدید آمده بود و آنچه امام دهم بر آن تأکید داشت این بود که قرآن اصل است و هنگام اختلاف باید به آن رجوع شود؛ و هر روایتی که با قرآن مخالف بود باید از آن روایت دوری جست.

## امامت یازدهمین پیشوا در آستانه غیبت صغری

یازدهمین امام شیعیان، یعنی امام حسن عسکری علیه السلام در ربیع الثانی سال ۲۳۲ق، در شهر مدینه دیده به جهان گشود. یک ساله بود که به ناچار، با عزیمت پدر به سامرا، او نیز به این شهر برده شد و تا آخر عمر (سال ۲۶۰ق) در آنجا می زیست. شرایط سیاسی و امنیتی حاکم بر زندگانی آن حضرت، مشترکات فراوانی با پدرش - امام هادی

		معتد (۲۷۹-۲۵۶ ق)	
		مهدی (۲۵۶-۲۵۵ ق)	
		معتز (۲۵۵-۲۵۲ ق)	
		مستعین (۲۵۲-۲۴۸ ق)	
		منتصر (۲۴۸-۲۴۷ ق)	
		متوکل (۲۴۷-۲۳۲ ق)	
		هارون و اتق (۲۳۲-۲۲۷ ق)	
		محمد معتصم (۲۲۷-۲۱۸ ق)	
		عبدالله مأمون (۲۱۸-۱۹۸ ق)	
		ابوموسی محمد امین (۱۹۸-۱۹۳ ق)	
		ابوجعفر هارون الرشید (۱۹۳-۱۷۰ ق)	
		ابومحمد هادی (۱۷۰-۱۶۹ ق)	
		ابوعبدالله مهدی (۱۶۹-۱۵۸ ق)	
		متصور دو اتقی (۱۵۸-۱۳۶ ق)	
		ابوالعباس سفاح (۱۳۶-۱۳۲ ق)	
		مروان بن محمد (۱۳۲-۱۲۷ ق)	
		یزید بن ولید اول (۱۲۷-۱۲۶ ق)	
		ولید بن یزید (۱۲۶-۱۲۵ ق)	
		هشام بن عبدالملک (۱۲۵-۱۰۵ ق)	
		عمر بن عبدالعزیز (۱۰۵-۱۰۱ ق)	
		سلیمان بن عبدالملک (۹۹-۹۶ ق)	
		ولید بن عبدالملک (۹۶-۸۶ ق)	
		عبدالملک بن مروان (۸۶-۶۵ ق)	
		مروان بن الحکم (۶۵-۶۴ ق)	
		معاویة بن یزید (۶۴ ق)	
		یزید بن معاویة (۶۴-۶۰ ق)	
		معاویة بن ابی سفیان (۶۰-۴۱ ق)	
		حسن <small>علیه السلام</small> (۴۱-۴۰ ق)	
		علی <small>علیه السلام</small> (۴۰-۳۶ ق)	
		عثمان (۳۵-۲۴ ق)	
		عمر (۲۳-۱۳ ق)	
		ابوبکر (۱۳-۱۱ ق)	
حضرت مهدی (عج)			
امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small>			
امام هادی <small>علیه السلام</small>			
امام محمد جواد <small>علیه السلام</small>			
امام علی بن موسی الرضا <small>علیه السلام</small>			
امام موسی کاظم <small>علیه السلام</small>			
امام جعفر صادق <small>علیه السلام</small>			
امام محمد باقر <small>علیه السلام</small>			
امام علی بن حسین <small>علیه السلام</small>			
امام حسین <small>علیه السلام</small>			
امام حسن <small>علیه السلام</small>			
امام علی <small>علیه السلام</small>			
امامان شیعه علیهم السلام			
خلفای وقت			

عباسیان

امویان

خلفای نخستین

بنابر بعضی از گزارش‌های تاریخی، امام دهم و یازدهم علیهما السلام ارتباط مستقیم و نیز ملاقات حضوری با شیعیان را کاهش داده بودند. به نظر شما این اقدام چه دلیلی داشت؟

### امام مهدی علیه السلام و غیبت و انتظار

در شب نیمه شعبان سال ۲۵۵ق، شهر سامرا شاهد رخدادی بزرگ بود. در این شب، فرزندی در این شهر به دنیا آمد که پیامبران الهی همواره بشارت ولادت و ظهور او را داده بودند. خانه امام عسکری علیه السلام غرق در سرور و شادی گشت و نرگس خاتون - همسر آن حضرت - مادر شد. او مادر کسی بود که «مهدی» نام گرفته بود و وظیفه گسترش عدالت در کل جهان بر دوش او بود. به سبب حساسیت خلافت عباسی، ولادت این کودک باید کاملاً مخفی می ماند؛ از این رو، پس از ولادت او، امام عسکری علیه السلام وی را تنها به افراد مورد اعتماد از میان شیعیان نشان می داد و بر امامت او تأکید می ورزید.

امام عسکری علیه السلام همچنین شیعیان را نسبت به نزدیکی زمان غیبت آگاه کرد. آن حضرت با نصب وکلای مورد اعتماد در نقاط مختلف شیعه نشین زمینه های لازم را برای ورود شیعه به عصر غیبت فراهم ساخت؛ زیرا شیعیان در عصر غیبت، تنها از طریق نواب و کلای حضرت مهدی علیه السلام می توانستند با او ارتباط برقرار کنند.

دوره حیات امام حسن عسکری علیه السلام در هشتم ربیع الاول سال ۲۶۰ق به پایان رسید. آن حضرت به دست معتمد عباسی مسموم شد و امامت دوازدهمین امام

آغاز گشت که امامتی از پس پرده غیبت بود.

دوران غیبت امام مهدی علیه السلام در دو مرحله غیبت صغری و غیبت کبری صورت گرفت. غیبت صغری ۶۹ سال طول کشید؛ یعنی از شهادت امام یازدهم در سال ۲۶۰ق تا رحلت چهارمین نائب امام مهدی علیه السلام در نیمه شعبان سال ۳۲۹ق و از این تاریخ به بعد، دوره غیبت کبری آغاز شده و تا ظهور امام مهدی علیه السلام ادامه دارد. در عصر غیبت صغری چهار نفر از سوی امام مهدی علیه السلام به عنوان نمایندگان و نواب خاص او به شیعیان معرفی شدند که عبارت بودند از:

۱- ابو عمرو عثمان بن سعید عمری

۲- ابو جعفر محمد بن عثمان بن سعید عمری

۳- ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی

۴- ابوالحسن علی بن محمد سمری

محل فعالیت هر چهار نائب، شهر بغداد بود و هم اکنون نیز مزار آنان در این شهر قرار دارد. اینان چند وظیفه بر عهده داشتند:

۱- پنهان داشتن نام و مکان امام دوازدهم،

۲- نظارت بر کار و کلا و نمایندگان مقیم در مناطق

شیعه نشین،

۳- دریافت توقیعات<sup>۱</sup> و بازگرداندن پاسخ آن‌ها به

۱- توقیعات، اصطلاحاً به پاسخ نامه‌هایی گفته می‌شد که شیعیان آن‌ها را خطاب به امام زمان علیه السلام نوشته و پرسش‌ها و درخواست‌های خود را مطرح و به نواب اربعه (چهارگانه) تحویل می‌دادند. آنان نیز پس از مدت کوتاهی جواب این توقیعات را به شیعیان می‌رساندند. گفتنی است گاه این توقیعات بدون آنکه پرسشی مطرح شده باشد، از سوی امام زمان علیه السلام صادر می‌شد.

شیعیان،

بود که شیعیان در این دوره، موظف به مراجعه نزد فقها هستند.

۶- مبارزه با مدعیان دروغین نیابت.

چند روز قبل از رحلتِ آخرین نایب، توقیعی

خطاب به او از سوی امام مهدی علیه السلام صادر شد و ضمن آنکه از مرگ قریب الوقوع او خبر داده شده بود آغاز غیبت کبری نیز اعلام گشت.

۴- دریافت و توزیع و به مصرف رساندن وجوه

شرعی همچون خمس، زکات و هدایا که شیعیان به امام مهدی علیه السلام تقدیم می کردند.

۵- ارجاع شیعیان به فقیهان و محدثان راستین

شیعه برای رفع مشکلات علمی و دینی؛ این اقدام نوعی آماده سازی شیعیان برای ورود به عصر غیبت کبری

## داستان سرداب



سردابه منسوب به امام زمان علیه السلام

براساس روایات، در عصر غیبت صغری، حضرت مهدی علیه السلام دو نوبت درون این سرداب مشاهده شده که در حال نماز و قرائت قرآن بوده است. بنابراین، آنچه که مغرضان شیعه در خصوص این سرداب گفته اند داستانی ساختگی بیش نیست.

## پرسش‌های نمونه

- ۱- عواملی که سبب شد شیعیان، امامت امام جواد علیه السلام را - با وجود کمی سنّ او - بپذیرند بیان کنید.
- ۲- اقدامات فرهنگی امام جواد علیه السلام را بنویسید.
- ۳- یک نمونه از رفتارهای متوکل عباسی نسبت به امام هادی علیه السلام را ذکر کنید.
- ۴- محورهای اصلی تلاش فرهنگی امام هادی علیه السلام را برشمارید.
- ۵- شیعیان چگونه با امام عسکری علیه السلام ارتباط برقرار می‌کردند؟
- ۶- عصر غیبت چند مرحله داشت و تفاوت این مراحل چیست؟
- ۷- نُوّاب اربعه را نام برده و وظایف آنان را ذکر کنید.

## اندیشه و جست و جو

- ۱- متوکل عباسی، یکی از خلفای سنگدل عباسی است و سرنوشتِ عبرت‌آموزی دارد. او را بیشتر شناسایی و معرفی نمایید.
- ۲- امامان شیعه علیهم السلام از عصر امام صادق علیه السلام تا پایان غیبت صغری از وکلای خود برای ارتباط با شیعیان بهره می‌بردند. دربارهٔ شبکهٔ وکالت، پژوهشی تهیه کنید.

## تشیع در دوره عباسیان

### مقدمه

تشیع همچون نهالی بالنده، از آغاز پیدایش، حرکت روبه رشدی داشته است؛ این در حالی بود که دشمنان اموی و عباسی، تلاش زیادی کردند تا آن را نابود سازند. در درس های پیشین، با فضای کلی حاکم بر عصر اموی و عباسی و نیز نقش رهبری امامان معصوم در حفظ و گسترش تشیع آشنا شدید. در این درس، چگونگی رشد و گسترش تشیع در مناطق مختلف، و نیز حرکت های سیاسی و فرهنگی شیعیان مورد بررسی قرار می گیرد.

### دوره های گسترش تشیع

گسترش تشیع شامل سه دوره است :

۱- دوره حضور امامان معصوم علیهم السلام

۲- دوره غیبت صغری

۳- دوره غیبت کبری.

الف- دوره حضور امامان معصوم علیهم السلام : تشیع

در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله پدید آمد و با وجود دشمنی های امویان و غیر آنان، رهبری مدبرانه چهار امام نخستین سبب شد که تشیع، حرکتی رو به جلو داشته باشد. در دوره امام پنجم و ششم، زمینه های خوبی برای حرکت های گسترده علمی و تربیت شاگردان بسیار و گسترش تشیع به مناطق مختلف فراهم گشت.

### حوادث بعدی و چگونگی مواجهه خلفای

مشهور عباسی - همچون هارون، مأمون و متوکل - با شیعیان، از نگرانی و هراس شدید آنان از گسترش و اقتدار روز افزون تشیع حکایت دارد. به طوری که هارون، به حبس امام کاظم علیه السلام اقدام کرد؛ مأمون به اعطای صوری ولایتعهدی به امام رضا علیه السلام دست زد و متوکل عباسی اقدامات بسیار خشن نسبت به شیعیان انجام داد؛ به گونه ای که، می توان دوره حکومت او را، عصر محنت شیعیان نامید. وی مرقد امام حسین علیه السلام را ویران کرد، شخم زد و بر آن آب بست؛ امام هادی علیه السلام را از مدینه به سامرا فراخواند و تحت نظر قرار داد. شیعیان نیز تحت فشار بودند. شهادت دادن آن ها در محاکم قضایی پذیرفته

نمی‌شد و بسیاری از آنان شکنجه و شهید شدند.

**ب - دوره غیبت صغری :** با فرا رسیدن دوره ۶۹ ساله غیبت صغری، شرایط جدیدی برای شیعیان پدید آمد. آنان از طریق چهار نایب امام زمان علیهم‌السلام با آن حضرت در ارتباط بودند. به جز این چهار نایب، وکلای زیادی در نواحی شیعه نشین مستقر بودند تا نقش ارتباطی میان شیعیان و نواب چهارگانه را ایفا کنند. بدین ترتیب، در عصر غیبت صغری، تشیع به خوبی رهبری شد و مسیر

آینده‌اش ترسیم گشت. وجود چنین زمینه‌هایی، موجب رشد روز افزون تشیع در نواحی گوناگون شد.

**ج - دوره غیبت کبری :** در نیمه شعبان سال ۳۲۹ق، با درگذشت چهارمین نایب امام زمان علیهم‌السلام، عصر غیبت کبری آغاز شد. در این دوره، خللی در روند گسترش تشیع پدید نیامد؛ زیرا شیعیان از پیش آموخته بودند که در چنین شرایطی، موظف‌اند نزد فقیهان شیعه که دارای زهد و تقوا هستند، مراجعه کنند.

## فکر کنید و پاسخ دهید

آیا از سیره و روش امامان معصوم، شواهدی دال بر ارجاع شیعیان به فقهای شیعه، سراغ دارید؟ به نظر شما دلیل این کار امامان چه بود؟

### عوامل گسترش تشیع

- عوامل گسترش روز افزون تشیع - به ویژه در ایران - عبارت است از :
- ۱- وجود آیات و روایات متعدد درباره امامت اهل بیت علیهم‌السلام و فضائل شیعیان آنها،
  - ۲- التزام امامان معصوم و شیعیان آنان به اسلام اصیل و پرهیز از بدعت در دین؛<sup>۱</sup>
  - ۳- هم‌خوانی آموزه‌های مکتب تشیع با عقل و فطرت؛
  - ۴- رفتارهای عدالت‌آمیز امامان معصوم علیهم‌السلام و پرهیز آنان از تبعیض‌های ناروا؛ به عنوان مثال، بسیاری

از بردگان ایرانی بدان علت که امام علی علیه‌السلام در تقسیم بیت‌المال میان آنان و اعراب فرقی نمی‌گذاشت، شیعه شدند؛<sup>۲</sup>

- ۵- پای بندی بیشتر شیعیان به دستورات دینی و عبادات شرعی، به عنوان مثال هنگامی که غلام عبیدالله بن زیاد در مسجد کوفه در صدد شناسایی شیعیان برای دستیابی به مکان مخفی شدن مسلم بن عقیل بود، با دیدن مسلم بن عوسجه که بسیار نماز می‌گزارد، با خود چنین گفت : «این شیعیان بسیار نماز می‌گزارند و گمان می‌کنم که این فرد یکی از آنان باشد.»<sup>۳</sup>
- ۶- ماهیت ظلم ستیز اندیشه و عمل امامان معصوم

۱- «بدعت» به اموری گفته می‌شود که جزء دین نیست و به دروغ، به دین خدا نسبت داده می‌شوند.

۲- بنگرید به : بلاذری، انساب الاشراف، ج ۲، ص ۱۴۱؛ یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۸۳ و ثقفی، الغارات، ص ۷۰.

۳- دینوری، اخبار الطوال، ص ۲۳۵.

و شیعیان آن‌ها. بدین لحاظ امامان شیعه، پیروان خود را از کوچکترین همکاری با دستگاه ظالم اموی و عباسی نهی می‌کردند؛

۷- مظلومیت امامان معصوم و شیعیان آنان، موجب جذب ستم‌دیدگان به آن‌ها می‌شد؛

۸- محبت مردم به اهل بیت علیهم‌السلام موجب می‌شد مکان‌های هجرت امام زاده‌ها، به محل تجمع دوستداران آن‌ها تبدیل شده و کانون‌های جدید شیعی پدید آید؛

۹- تلاش‌های امامان شیعه علیهم‌السلام و پیروان دانشمندشان در تبیین و تشریح عقاید شیعه.

## گسترش تشیع امامی در ایران

یکی از مهم‌ترین افتخارات ایرانیان آن است که از همان قرن اول، مذهب تشیع را پذیرفته و گسترش داده‌اند.

با وجود آنکه فرقه‌های منشعب از شیعه – همچون زیدیه و اسماعیلیه – در ایران فعالیت داشتند، اما آنچه ماندگار شد و سرانجام تمامی ایران را فرا گرفت، تشیع اصیل دوازده امامی بود. کهن‌ترین ناحیه ایران که تشیع بدان راه یافت، شهر قم بود. اشعری‌ها که گروهی از شیعیان یمن بودند از ترس حجاج بن یوسف ثقفی به ایران گریخته، در قم سکنی گزیدند. آنان همواره با امامان معصوم علیهم‌السلام در ارتباط بودند و امامان نیز به آنان علاقه زیادی داشتند.

به جز قم، نواحی دیگری در ایران، به تدریج پذیرای مذهب تشیع شدند که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: آبه<sup>۱</sup>، کاشان، ری، ورامین، قزوین، همدان، اصفهان، قزّمیسین<sup>۲</sup>، دینور<sup>۳</sup>، آران<sup>۴</sup>، اهواز، سیستان، طبرستان، ساری، گرگان (استرآباد)، بیهق (سبزوار)، نیشابور، طوس و برخی از دیگر مناطق خراسان.

## یک توضیح

بعضی از خاورشناسان و نیز دشمنان امروزی تشیع، از روی غرض‌ورزی، تلاش کرده‌اند نفوذ و گسترش مذهب تشیع در ایران را به عواملی همچون تشابه عقاید شیعیان درباره امامان معصوم علیهم‌السلام با عقاید ایرانیان عصر ساسانی درباره قدرت اهورایی پادشاه، یا ایرانی بودن مادر امام سجاد علیه‌السلام و یا قدرت‌گیری حکومت صفویه در ایران مربوط کنند؛ و این در حالی است که براساس شواهد انکارناپذیر تاریخی، تشیع از عصر امیر مؤمنان علی علیه‌السلام و پس از آشنایی ایرانیان با اهل بیت علیهم‌السلام و حقیقت مذهب تشیع و جذابیت‌های آن در مقایسه با دیگر مذاهب، به تدریج در ایران نفوذ کرد و گسترش یافت.

۱- آبه یا آوه، شهری بوده در حد فاصل قم و ساوه که امروزه نیز به صورت روستایی باقی مانده است؛ بنگرید به: یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۱،

ص ۵۰.

۲- همان کرمانشاه است که آن را به عربی، قزّمیسین گفتند؛ همان، ج ۴، ص ۳۳۰.

۳- شهری در نزدیکی کرمانشاه بوده است؛ همان، ج ۲، ص ۵۴۵.

۴- ناحیه‌ای وسیع در شمال رود ارس بوده است؛ همان، ج ۳، ص ۱۹۰.





## مهم ترین انشعابات شیعی

با وجود آنکه اسامی و ویژگی های امامان دوازده گانه، در روایات رسول خدا ﷺ و دیگر معصومان آمده بود، اما عواملی چند، سبب شد انشعاباتی در میان شیعیان پدید آید که عبارت اند:

### ۱- فضای خفقان آمیز عصر اموی و عباسی:

فاش شدن اسامی امامان بعدی، موجب حساسیت حکام ظالم اموی و عباسی و در نتیجه، به خطر افتادن جان امام و پیروانش می شد؛ از این رو، حتی الامکان، نام و ویژگی های امامان مخفی می ماند؛ و همین امر، موجب انحراف برخی شیعیان می شد.

### ۲- فقدان بصیرت لازم: بعضی از شیعیان، به

علت نداشتن شناخت و آگاهی لازم، برای شناخت امام

خویش دچار اشتباه می شدند؛ از این رو، کسانی را به عنوان رهبر و امام برمی گزیدند که فاقد صلاحیت لازم بودند.

### ۳- دنیا طلبی: بسیاری از کسانی که اقدام به

ایجاد فرقه های جدید کرده اند، گرفتار دنیا طلبی و مفسد اخلاقی بودند؛ به عنوان مثال، سران مذهب واقفه، پس از امام کاظم علیه السلام به طمع چنگ اندازی بر اموال شرعی متعلق به آن حضرت، امامت امام رضا علیه السلام را انکار کردند تا مجبور به تحویل اموال به او نشوند!

### ۴- دسیسه های امویان و عباسیان: حکومت

امویان و عباسیان برای ایجاد اختلاف میان پیروان امامان علیهم السلام تلاش های بسیاری کردند.

## فکر کنید و پاسخ دهید

آیا می توانید برای موارد فوق، مثال ها و نمونه هایی دیگر در عصر امامان و در عصر حاضر ذکر کنید؟

## انشعابات تشیع

اما مهم ترین گروه های شیعی عبارت بود از:

### ۱- کیسانیه: اینان، امامت و مهدویت محمد

حنفیه - فرزند امام علی علیه السلام - را باور داشته و معتقد بودند او نمرده و پس از دوره ای غیبت، ظهور خواهد کرد. این فرقه، در قرن اول هجری از بین رفت.

### ۲- زیدیه: پس از قیام و شهادت زید - فرزند

امام سجاد علیه السلام - گروهی از پیروان او، اقدام به تشکیل این فرقه کردند. آنان معتقد بودند امامت مختص کسانی

از فرزندان علی علیه السلام و فاطمه سلام الله علیها است که عادل، شجاع و اهل قیام مسلحانه باشند. پیروان این فرقه امروزه نیز در یمن و بعضی نقاط دیگر باقی هستند.

### ۳- اسماعیلیه: با اینکه اسماعیل - فرزند

ارشد امام صادق علیه السلام - در زمان حیات آن حضرت در مدینه از دنیا رفت، اما بعضی از شیعیان معتقد بودند وی نمرده و پس از مدتی ظهور کرده و عدالت را در جهان می گستراند. برخی نیز مرگ او را باور کردند، اما به استمرار امامت در فرزندان اسماعیل معتقد بودند این

گروه از اسماعیلیان امروزه هنوز باقی هستند.

#### ۴- قَطْحِيه : کسانی که معتقد به امامتِ عبداللهِ افطح

– فرزند امام صادق علیه السلام – بودند و امامتِ امام کاظم علیه السلام را منکر شدند. این گروه در عصر امامان بعدی رفته رفته منقرض شدند.

#### ۵- واقفه : کسانی که امامتِ امام رضا علیه السلام را

منکر شدند و معتقد بودند امام کاظم علیه السلام در قید حیات است و پس از مدتی، برای اقامه عدل، ظهور خواهد کرد. گفتنی است پیروان این فرقه، با روشنگری‌های امام رضا علیه السلام و ائمه بعدی، رفته رفته از عقیده خود برگشتند.

### قیام‌های علویان در عصر عباسیان

در درس‌های گذشته با بعضی از قیام‌های علویان

در دوران اموی و عباسی آشنا شدیم. عوامل اصلی اقدام علویان به قیام عبارت بود از :

- ۱- عمل نکردن حاکمان به فرامین قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم
- ۲- وارد کردن بدعت در دین، یعنی امور خارج از دین را به نام دین رقم زدن
- ۳- محروم شدن اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از حقوقشان
- ۴- ستمگری و تبعیض‌های ناروا
- ۵- نصب کارگزاران ناشایست و ستمگر
- ۶- موروثی کردن خلافت.

### فکر کنید و پاسخ دهید

با توجه به آموخته‌هایتان، آیا می‌توانید نمونه‌هایی برای موارد فوق ذکر کنید.

۱- قیام محمد ذی‌النفس الزکیه و برادرش ابراهیم : محمد بن عبدالله بن حسن بن حسن بن علی علیه السلام، نواده امام حسن مجتبی علیه السلام بود. پیش از آنکه بنی عباس به پیروزی برسند، چنین وانمود می‌کردند که قصد دارند برای پیروزی او قیام کنند، و حتی با او بیعت کردند؛ اما در واقع، هدفشان، حاکمیت بنی عباس بود. محمد و پدرش نیز باور کردند که تحرکات به سوی پیروزی آنان در حال وقوع است و حتی توقع داشتند امام صادق علیه السلام

غالب این قیام‌ها در دو قرن اول حاکمیت بنی عباس – یعنی در عصر حضور امامان معصوم و در عصر غیبت صغری – رخ داد. هر چند، این قیام‌ها به سرنگونی بنی عباس منجر نشد و اکثراً به کشته شدن و شهادت رهبران آن انجامید، اما وقوع این قیام‌ها اسناد تاریخی گویایی بر ستمگری و ماهیت باطل خلافت عباسی است. در ادامه، مهم‌ترین قیام‌های علویان در عصر بنی عباس را مرور می‌کنیم :

نیز با محمد بیعت کند! پس از روی کار آمدن بنی عباس و آشکار شدن نیرنگ آنان، جهت گیری قیام محمد بن عبدالله بر ضد بنی عباس شد. وی در سال ۱۴۵ق در مدینه قیام و آن شهر را تصرف کرد و برادرش - ابراهیم - نیز بصره را به تصرف خود در آورد. قیام این دو برادر - بر خلاف پیشرفت های اولیه - پس از دو ماه، به وسیله سپاه منصور عباسی شکست خورد و محمد در مدینه و ابراهیم در محلی نزدیک بصره<sup>۱</sup> کشته شدند.

**۲- قیام حسین بن علی (شهید فح):** وی نیز از نواده های امام حسن علیه السلام بود که در سال ۱۶۹ق در دوره هادی عباسی در محل فح - نزدیک مکه - قیام کرد. (نسبش چنین بود: حسین بن علی بن حسن بن حسن بن حسن علیه السلام). او از والدینی زاده شد که به «زوج صالح» شهره بودند. ستم های فراوان عباسیان در حق علویان، تصمیم او را برای قیام قطعی کرد. قیام او در مدینه آغاز و به تصرف آنجا منجر شد. اما هنگام عزیمت به مکه در منطقه فح به همراه تعدادی از علویان و دیگر یارانش به شهادت رسید. بنابر بعضی روایات، سال ها قبل از شهادتش، رسول خدا صلی الله علیه و آله و بعضی از امامان معصوم، از این رویداد خبر داده بودند.<sup>۲</sup> هنگامی که سرهای این شهدا را به مدینه بردند، امام کاظم علیه السلام با مشاهده سر حسین بن علی در باره اش فرمود:

«إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ». او در حالی از دنیا رفت که مسلمانی نیکوکار بود. بسیار روزه می گرفت و فراوان نماز می گزارد. امر به معروف و نهی از منکر می کرد و در میان خاندانش بی نظیر بود.<sup>۳</sup>

### ۳- قیام های متقارن در عصر مأمون: با مرگ

هارون و درگیری امین و مأمون، قلمرو اسلامی شاهد قیام های علویان در نقاط گوناگون بود. ابوالسرایا با سوء استفاده از نام یک فرد علوی به نام محمد بن ابراهیم، معروف به ابن طباطبا، در کوفه قیام کرد و بر یمن، حجاز و بصره تسلط یافت و پس از ده ماه شورش، کشته شد. در همین زمان، زید بن موسی بن جعفر علیه السلام در بصره قیام کرد و به علت آتش زدن بعضی از خانه های بنی عباس به زید النائر مشهور شد. محمد بن جعفر الصادق علیه السلام، معروف به محمد دیباج نیز در مدینه و مکه قیام کرد و شکست خورد. ابراهیم بن موسی بن جعفر علیه السلام نیز پس از قیام ابن طباطبا یمن را تصرف کرد. جعفر بن زید بن علی بن حسین علیه السلام نیز واسط را در اختیار گرفت و محمد بن اسماعیل (از نواده های امام سجاد علیه السلام) نیز بر مدائن تسلط یافت. مجموع این قیام ها از آشفتگی اوضاع، و شدت فشار بنی عباس بر علویان - آن هم در نیم قرن آغازین حاکمیتشان - حکایت دارند.

### ۴- قیام محمد بن قاسم: وی از نوادگان امام

سجاد علیه السلام بود که بر اثر ستم های معتصم عباسی، در سال ۲۱۹ق، در کوفه قیام کرد و به خراسان رفت و یارانی پیدا کرد، اما پس از مدتی جنگ و گریز، به دست طاهریان اسیر و روانه سامرا شد. او پس از مدتی حبس، با یاری پیروانش از زندان گریخت و پس از آن، خبری از وی به دست نیامد.

### ۵- قیام یحیی بن عمر طالبی: وی از نوادگان

جعفر طیار و به سبب زهد و تقوای بسیار، از جایگاه

۱- نام این محل باخمزی بود، از این رو، وی به ابراهیم قتیل باخمزی معروف شد.

۲- بنگرید به: مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۸، ص ۱۷۰.

۳- اصفهانی، ابوالفرج، مقاتل الطالبیین، ص ۳۸۰.



سکهٔ ادرسیان، منقش به نام علی بن ابی طالب

ادریس بن ادریس - بیعت کردند و این دولت، روز به روز قوت بیشتری یافت. دولت ادرسیان، دشمنان و رقبای متعددی همچون عباسیان، خوارج، امویان اندلس، فاطمیان و بعضی قبایل محلی داشت؛ به همین دلیل پس از کشمکش‌های بسیار، در سال ۳۷۵ ق و پس از حکومتی ۱۷۳ ساله، به دست امویان اندلس سرنگون شد. شایان ذکر آنکه این دولت، بعضی از نشانه‌های شیعی را آشکار کرد از جمله، ضرب سکه‌هایی با جمله «علی ولی الله» بود.

**۲- علویان طبرستان:** طبرستان از نواحی مهم تاریخی شمال ایران به شمار می‌آید. در سال ۲۵۰ ق یکی از نوادگان امام حسن مجتبی علیه السلام به نام «حسن بن زید علوی»، موفق شد دولتی در این ناحیه تشکیل دهد که تا سال ۳۱۶ ق دوام آورد و به دست سامانیان سرنگون شد. این دولت موفق شد تشیع را در این ناحیه گسترش دهد و شعارها و نمادهای شیعی را آشکار کند.

والایی نزد مردم کوفه برخوردار بود. به دلیل ستم و تحقیر حکومت متوکل و نظامیان ترک در حقیقت، در کوفه قیام کرد و آن را به تصرف درآورد. او به سبب رویهٔ عادلانه‌اش، محبوبیت زیادی کسب کرد، ولی طاهریان این نهضت را نیز سرکوب کردند و او به شهادت رسید. به گفتهٔ مسعودی: «افراد زیادی از کوچک و بزرگ بر او محزون شدند و گریستند و افراد نزدیک و دور در رثایش شعر سرودند.»<sup>۱</sup>

**۶- قیام حسن بن زید علوی:** این قیام در ناحیهٔ طبرستان - واقع در شمال ایران - رخ داد که به تشکیل حکومت علویان طبرستان انجامید و در ادامه به آن اشاره خواهیم کرد.

## حکومت‌های شیعی

قیام برخی از علویان به تشکیل حکومت‌هایی منجر شد که سالیان متمادی در برخی از مناطق حاکمیت داشتند؛ در ادامه، این حکومت‌ها را معرفی می‌کنیم.

**۱- ادرسیان:** می‌توان این دولت را اولین دولت علویان دانست که توسط یکی از نوادگان امام حسن مجتبی علیه السلام به نام «ادریس بن عبدالله بن حسن بن حسن علیه السلام» در مغرب دور (مراکش) تأسیس شد. وی یکی از یاران امام صادق علیه السلام بود که در قیام حسین بن علی - شهید فخر - شرکت کرد و سپس به مغرب گریخت و در سال ۱۷۲ ق، پس از بیعت مردم ساکن در سرزمین مغرب دور با او، دولتش را تأسیس کرد؛ اما در سال ۱۷۷ ق با توطئهٔ هارون عباسی مسموم و به شهادت رسید.<sup>۲</sup> پس از او، مردم در شهر «فاس»<sup>۳</sup> با فرزند خردسالش - موسوم به

۱- مسعودی، مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۴، ص ۶۵.

۲- مزار او در شهر «ولیلی» مراکش، امروزه زیارتگاه است.

۳- پایتخت مراکش امروزی.





را به جهاد دعوت کرد، زیرا وی پیرو مذهب «زیدیه» بود که قیام و جهاد را از شرایط امام می دانستند. پس از او، فرزندان و نوادگانش تا سال ۴۴۴ق این حکومت را ادامه دادند اما در این سال، مغلوب اسماعیلیان شدند. پس از مدتی خموشی و فترت، در سال ۵۸۳ق، زیدیان با قیام امام عبدالله بن حمزه، حکومتشان را برپا کردند، و این به معنای آغاز دور دوم حکومت زیدیان بر یمن بود. این حکومت نیز پس از افت و خیزهای متعدد، تا قرن اخیر ادامه یافت و در سال ۱۳۸۲ق با کودتای «عبدالله سلال» پایان یافت.

۴- دولت حمدانیان: حمدانیان، سلسله‌ای دارای مذهب تشیع ۱۲ امامی بودند که از حدود سال ۲۹۲ تا ۳۹۴ق بر بخش‌هایی از شام و شمال عراق (جزیره) فرمان راندند. نیای آنان، «حمدان بن حارث» نام داشت که با قبیله خویش پیرامون موصل ساکن شده بود. وی پس از مدتی همکاری با خوارج، توسط معتضد عباسی

به عنوان مثال، در بخشی از فرمان حسن بن زید به کارگزارانش آمده بود:

– به کتاب خدا و سنت پیامبر ﷺ و به آنچه به طور یقین از امیر مؤمنان علی بن ابی طالب در اصول و فروع رسیده، عمل شود.

– حضرت علی بن ابی طالب از همه امت برتر دانسته شود. – «بسم الله الرحمن الرحيم» در نمازها با صدای بلند قرائت شود.

– «حیّ علی خیر العمل» در اذان و اقامه گفته شود.

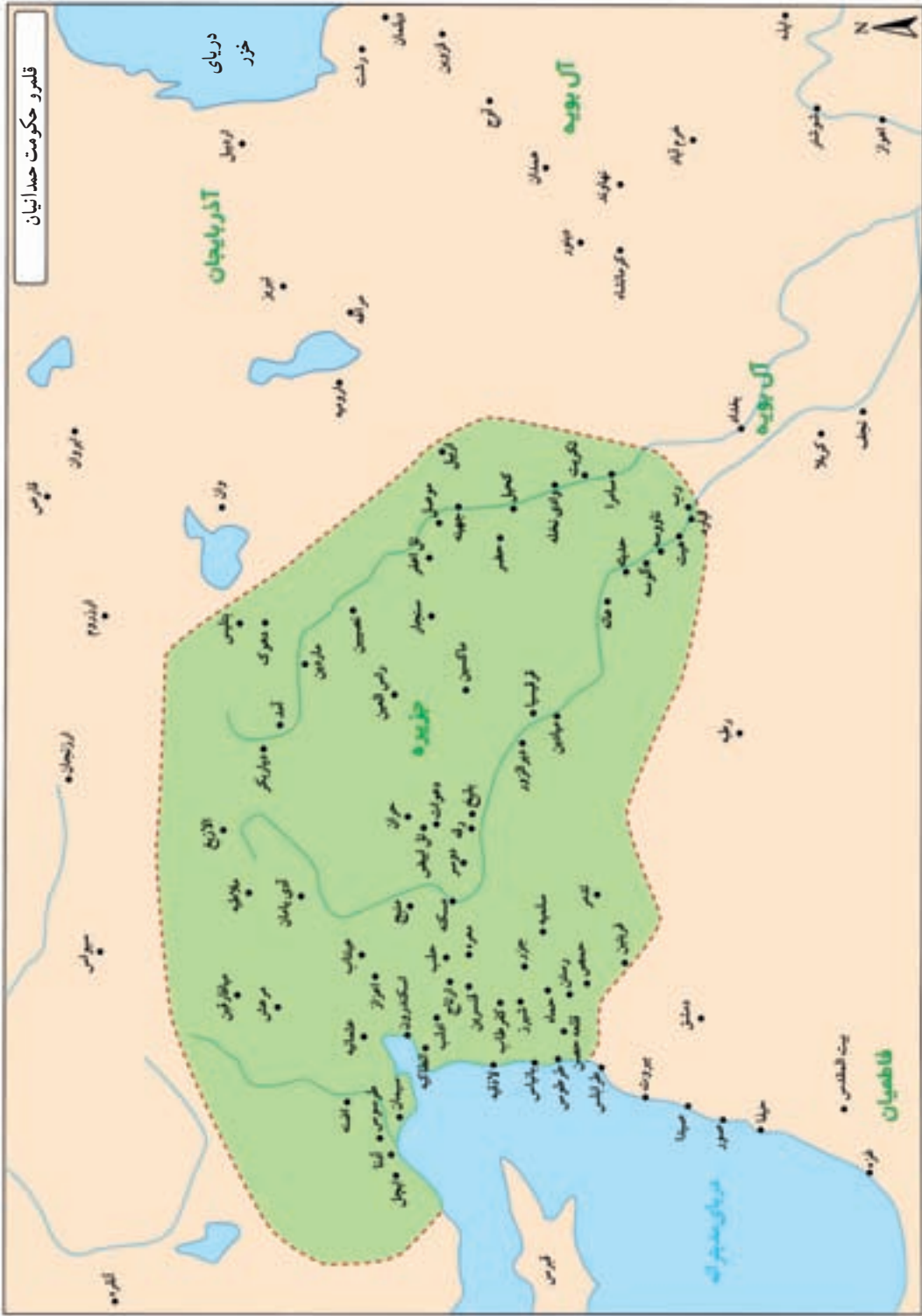
۳- زیدیان یمن: این دولت به وسیله یکی از نواده‌های امام حسن مجتبی بن ابی طالب به نام «یحیی بن حسین»<sup>۱</sup> تأسیس شد. وی در سال ۲۸۰ق وارد یمن شد و طی مدت هجده سال توانست پایه‌های حکومتش را تثبیت کند. مرکز این حکومت، شهر «صعده» بود. یحیی در آغاز حکومتش نامه‌ای برای اهالی یمن نوشت و در آن، مردم



قلعه مربوط به دوره حمدانیان

۱- یحیی بن حسین بن قاسم بن اسماعیل بن ابراهیم بن حسن بن علی بن ابی طالب بن ابی طالب.





از مهم‌ترین اقدامات سیف‌الدوله، جنگ‌های او با رومیان بوده است. حمدانیان با وجود پاره‌ای کاستی‌ها، امیرانی دانش‌دوست و ادب‌پرور بودند و دربارشان به ویژه سیف‌الدوله – محفل شاعران و دانشمندان بود. حمدانیان موصل در سال ۳۶۹ق ساقط شدند، اما حمدانیان حلب تا سال ۳۹۲ق بر حکومت باقی ماندند. عوامل انقراض آنان عبارت بود از: وجود رقبایی همچون آل بویه و فاطمیان، بی‌تجربگی و جوانی برخی حکمرانان و کشمکش با رومیان.

زندانی شد، اما فرزندش – حسین – به نبرد با خوارج برخاست و فرزند دیگرش – عبدالله – از سوی خلیفه مکتفی فرمانروای موصل شد. برخی دیگر از پسران او نیز مناصب دیگری یافتند. عبدالله بن حمدان دو پسر به نام‌های حسن و علی داشت. حسن از سوی خلیفه عباسی، لقب ناصرالدوله و علی، لقب سیف‌الدوله گرفت. حمدانیان توانستند حکومت خود را در دو ناحیه شمال عراق با مرکزیت موصل و ناحیه شام با مرکزیت شهر حلب استمرار ببخشند. در موصل، ناصرالدوله و فرزندانش، و در حلب نیز سیف‌الدوله و فرزندانش حکومت کردند.

جدول امیران بنی‌حمدان (حمدانیان)

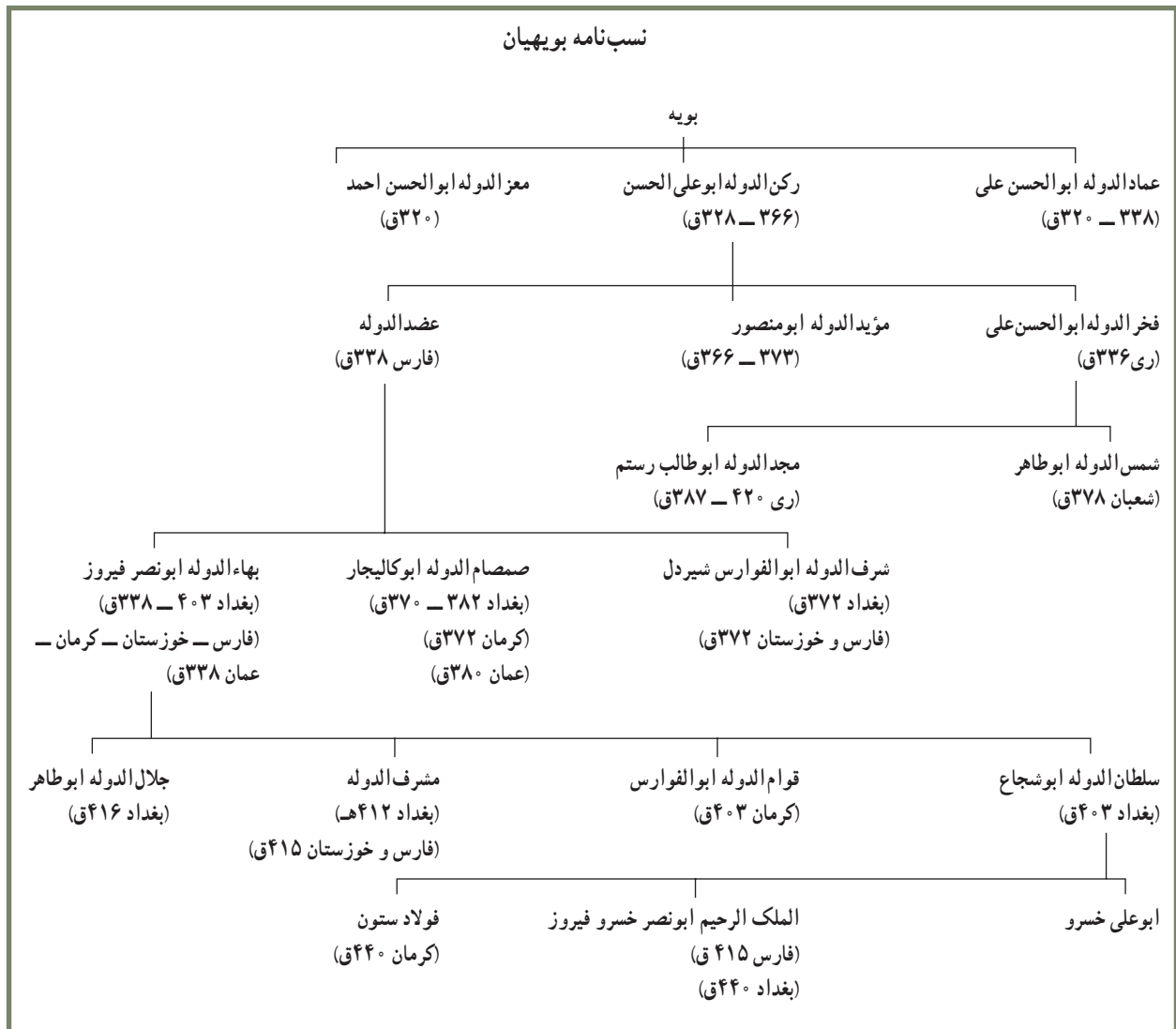
سال خلافت	نام امیر	ردیف
	الف – حمدانیان موصل	
۳۱۷ – ۳۵۸ق	ناصر الدوله حسن	۱
۳۵۸ – ۳۶۹ق	عدة الدوله ابوتغلب	۲
۳۶۹ق	غلبه آل بویه	
۳۷۱ – ۳۸۹ق	ابوظاهر ابراهیم و ابو عبدالله الحسین (هر دو مشترکاً از طرف آل بویه حکومت کردند)	۳ و ۴
	ب – حمدانیان حلب	
۳۳۳ – ۳۵۶ق	سیف الدوله علی اول	۱
۳۵۶ – ۳۸۱ق	سعد الدوله شریف اول	۲
۳۸۱ – ۳۹۲ق	سعید الدوله سعید	۳
۳۹۲ – ۳۹۴ق	ابوالحسن علی دوم	۴
۳۹۴ – ۳۹۹ق	ابوالمعالی شریف دوم	۵

است. آل بویه در این دوره تلاش کردند با بهره‌گیری از موقعیت خوبی که به دست آوردند نمادهای مذهب تشیع را آشکار سازند. نخستین حکمرانان این سلسله، شیعه زیدی مذهب، اما سایر حکمرانان آل بویه شیعه دوازده امامی بودند.

**۵- دولت آل بویه:** سلسله‌ای بود ایرانی و شیعی مذهب که در فاصله سال‌های ۳۲۲ تا ۴۴۷ق بر بخش بزرگی از ایران، عراق و مرزهای شمالی شام فرمان راندند. ویژگی مهم این سلسله، تسلط بر دستگاه خلافت عباسی در فاصله سال‌های ۳۳۴ق تا پایان کار این سلسله



## نسب‌نامه بویه‌یان



### ۶- دولت بنی مزید : این حکومت در اواخر سده

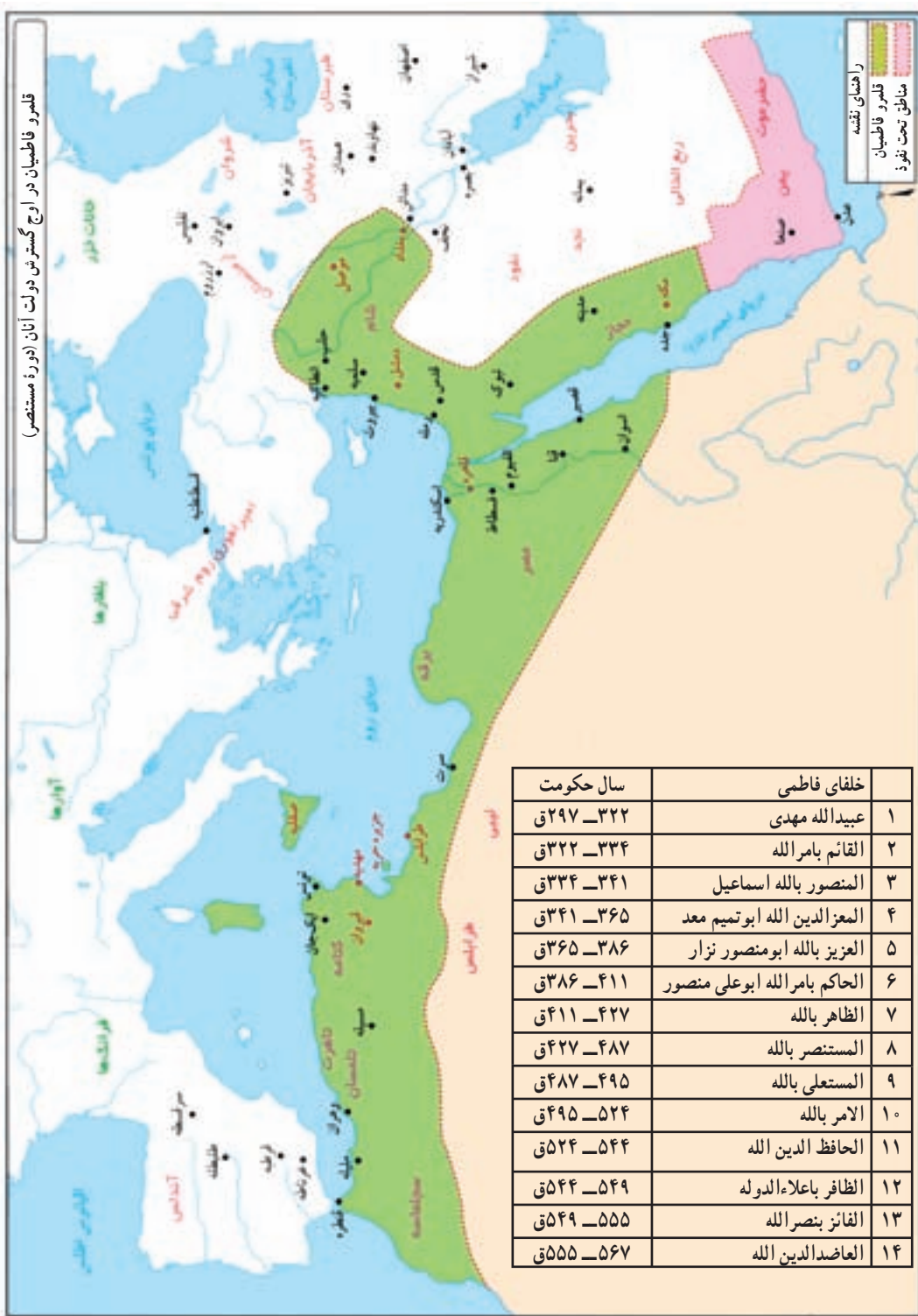
چهارم هجری شکل گرفت و تا نیمه سده ششم هجری (۵۵۸ق) ادامه حیات داد. قلمرو آن، مناطقی از جنوب بغداد تا شمال بصره را در برمی گرفت. اینان از قبایل مهاجر جنوب عربستان به عراق بودند که توانستند با حمایت دولت شیعی آل بویه، دولتشان را پایه‌ریزی کنند. مؤسس آن، «مزید بن مزید» بود. فرزندش - «علی» - و نواده‌اش - «دبیس» - از حکام مقتدر این حکومت بوده‌اند. مذهب بنی مزید، تشیع اثنی عشری، و از مهم‌ترین خدماتشان، بنای شهر «حله» بود که بعدها، مهد پرورش

علماء و دانشمندان شیعی شد.

### ۷- دولت‌های اسماعیلی مذهب : در سده‌های

سوم تا هفتم هجری، دولت‌هایی با گرایش به مذهب اسماعیلیه، در نقاط گوناگون، از شمال آفریقا تا یمن و نواحی مرکزی ایران مانند دولت‌های قرامطه بحرین، فاطمیان مصر و اسماعیلیان الموت روی کار آمدند. قرامطه گروهی بودند که از سال ۲۶۴ق حرکت تبلیغی و نظامی خود را آغاز کردند. اینان را به اعتبار یکی از بزرگترین رهبران‌شان - موسوم به حمدان قرمط - قرامطه خوانده‌اند. گرچه آنان، محمد بن اسماعیل بن

قلمرو فاطمیان در اوج گسترش دولت آنان (دوره مستنصر)



سال حکومت	خلفای فاطمی	
۳۲۲-۲۹۷ ق	عبیدالله مهدی	۱
۳۲۲-۳۳۴ ق	القائم بامرالله	۲
۳۳۴-۳۴۱ ق	المنصور بالله اسماعیل	۳
۳۴۱-۳۶۵ ق	المعزالدین الله ابوتمیم معد	۴
۳۶۵-۳۸۶ ق	العزیز بالله ابومنصور نزار	۵
۳۸۶-۴۱۱ ق	الحاکم بامرالله ابوعلی منصور	۶
۴۱۱-۴۲۷ ق	الظاهر بالله	۷
۴۲۷-۴۸۷ ق	المستنصر بالله	۸
۴۸۷-۴۹۵ ق	المستعلی بالله	۹
۴۹۵-۵۲۴ ق	الامر بالله	۱۰
۵۲۴-۵۴۴ ق	الحافظ الدین الله	۱۱
۵۴۴-۵۴۹ ق	الظاهر باعلاءالدوله	۱۲
۵۴۹-۵۵۵ ق	الفائز بنصرالله	۱۳
۵۵۵-۵۶۷ ق	العاضدالدین الله	۱۴

فاطمیان نیز، سلسله‌ای با گرایش به مذهب اسماعیلیه بودند. اینان، از سال ۲۹۷ تا ۵۶۷ ق، ابتدا در شمال آفریقا (تونس) سپس در مصر خلافت کردند. به آنان فاطمی گفته می‌شد؛ زیرا خود را از نسل امام علی علیه السلام و حضرت فاطمه سلام الله علیها می‌دانستند. مؤسس آن، «عبیدالله المهدی»<sup>۱</sup> است. آن‌ها در سال ۳۵۸ ق مصر را تصرف کرده و قاهره را به عنوان پایتخت خود بنا کردند.

امام جعفر صادق علیه السلام را امام خود می‌خواندند، اما گرفتار عقاید و رفتارهای کاملاً ضد اسلامی شدند و بارها کاروان حُجاج را غارت کردند. در اواخر قرن سوم هجری، یکی از قرامطیان - موسوم به ابوسعید جنابی - توانست بحرین را تصرف کند و حکومتی تشکیل دهد که تنها یکی از رفتارهای زشت آن، حمله به مکه و کشتار حاجیان بود. این حکومت در سال ۳۶۳ ق از خلیفه فاطمی مصر شکست خورد و نابود شد.



مسجد الازهر قاهره

۱- عبیدالله بن حسین بن احمد بن عبد الله بن محمد بن اسماعیل بن جعفر الصادق علیه السلام.



سکه المعز خلیفه فاطمی

در آمد، حسن صباح بود. وی در سال ۴۶۹ق به مصر سفر کرد و یک سال و نیم در آنجا ماند. در این زمان، خلیفه فاطمی، «مستنصر» بود. با مرگ او، بین دو پسرش - نزار و مُستعلی - اختلاف افتاد. حسن صباح از نزار حمایت کرد و پس از بازگشت به ایران، در سال ۴۸۳ق قلعه «الموت» را در ارتفاعات شمالی قزوین تصرف کرد و حکومت «اسماعیلیان نزاری» را تشکیل داد. پایان این حکومت به دست هلاکوخان مغول بود که در سال ۶۵۴ق قلعه الموت را تصرف و ویران کرد.

در طول دوره خلافت فاطمیان، با وجود جنگ‌های صلیبی و بی‌نظمی‌ها و شورش‌ها، امور مصر رونق فراوان گرفت و فعالیت‌های فکری، ادبی و هنری نیز افزایش یافت.

## اسماعیلیان ایران

فاطمیان از موقعیت خود برای نشر مذهب اسماعیلیه در نقاط مختلف - از جمله ایران - بهره می‌بردند. یکی از کسانی که با تبلیغات مبلغان اسماعیلی، به این مذهب

قلعه‌های اسماعیلیه در ایران در دوران حسن صباح





## سیدرضی و نهج البلاغه

سیدرضی یا شریفرضی، لقب یکی از درخشان‌ترین چهره‌های علمی شیعه است. نام و نسب او محمدبن حسین بن موسی بن محمدبن موسی بن ابراهیم بن موسی الکاظم علیه السلام بود؛ بنابراین وی و برادرش - علی که معروف به سیدمرتضی علم الهدی بود - از نسل امام هفتم بوده‌اند. او در سال ۳۵۹ق در بغداد زاده شد. پدرش - حسین - به نقیب سادات بود و به امور آنان رسیدگی می‌کرد و این مقام پس از پدر، به سیدرضی رسید. سیدرضی از همان اوان طفولیت، نبوغ و استعداد عجیبی داشت. از ده سالگی سرودن شعر را آغاز کرد و از همان دوران طفولیت به همراه برادرش، به افتخار شاگردی شیخ مفید نائل آمد. در این باره، نقل شده که شبی شیخ مفید در عالم رؤیا، مشاهده کرد که حضرت فاطمه سلام الله علیها دست دو فرزند خردسالش - حسن و



حسین علیهما السلام - را گرفته و نزد او آمد و فرمود: ای شیخ، به آنان علم فقه بیاموز! شیخ از این رؤیا در تحیر بود که صبحگاهان، مادر سیدرضی و سیدمرتضی در حالی که دست آن دو را گرفته بود نزد شیخ آمد و به او گفت: ای شیخ به این دو، علم فقه بیاموز! و شیخ تعبیر رؤیای خود را باز یافت. سیدرضی پس از عمری نسبتاً کوتاه و پس از خدمات علمی فراوان، در ششم محرم سال ۴۰۶ق رحلت کرد و در خانه‌اش - کنار حرم کاظمین علیهما السلام - در بغداد دفن شد. گفته‌اند: برادرش - سیدمرتضی - از شدت اندوه، توانست در مراسم تشییع او شرکت کند. از مهم‌ترین آثار سیدرضی، کتاب نهج البلاغه است. وی پس از نوشتن کتاب خصائص الائمة، به فکر جمع‌آوری بخشی از خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات کوتاه امیرمؤمنان امام علی علیه السلام افتاد. از این رو، نهج البلاغه را فراهم آورد که شاهکاری ادبی است و شرح‌های فراوان بر آن نگاشته شده است.

- ۱- آیا تشیع در دوره حضور ائمه علیهم‌السلام روند رو به گسترش داشت؟ توضیح دهید.
- ۲- عوامل گسترش روز افزون تشیع را برشمارید.
- ۳- قدیم‌ترین ناحیه شیعه‌نشین در ایران کجا بود و چه کسانی تشیع را به آنجا رساندند؟
- ۴- عواملی که موجب بروز انشعابات در تشیع شد را برشمرده و به صورت خلاصه توضیح دهید.
- ۵- مهم‌ترین فرقه‌های منشعب از تشیع را برشمرده و یکی از آن‌ها را معرفی کنید.
- ۶- عوامل اصلی قیام‌های علویان را بیان کنید.
- ۷- مهم‌ترین قیام‌های علویان در عصر عباسیان را برشمرده و یکی از آن‌ها را معرفی کنید.
- ۸- حکومت‌های علویان در عصر عباسیان را برشمرده و یکی از آن‌ها را معرفی کنید.

## اندیشه و جست و جو

- ۱- درباره سابقه تاریخی قم و نقش آن در گسترش تشیع تا عصر حاضر، پژوهشی فراهم کنید.
- ۲- درباره نقش دولت آل بویه در حمایت از شیعیان و دانشمندان شیعی جست و جو کرده و پژوهشی ارائه کنید.